

پتال جامع علوم انسانی  
کالمسره

● ارزش چیست؟ / آلن تامس / دکتر عزت الله فولادوند

از قدیم سه مکتب فکری دربارهٔ ارزش<sup>۱</sup> وجود داشته است: ذهنیت‌گرایی که طرفداران آن می‌گویند خوب ارزشمند فقط به معنای حالت ذهنی موجودات ذی‌شعور و برخوردار از قوهٔ ادراک است؛ عینیت‌گرایی که قائلان به آن معتقدند گرچه ارزشها باید نسبتی با انسان داشته باشند، ولی وجودشان مستقل از ماست؛ و عقل‌گرایی نوکانتی که پیروان آن مدعی‌اند فرض وجود ارزشها مبتنی بر عقل عملی است. تمایزاتی اساسی گذاشته می‌شود میان ارزشهای ذهنی و عینی، ارزشهای ابزاری و نمایی، ارزشهای ذاتی و عرضی، و وحدت انداموار و ارزش‌نهایی یا ساختاری. همچنین فرق است بین انواع مختلف ارزش، مانند ارزش اخلاقی و ارزش زیبایی‌شناختی.

بحث دربارهٔ ارزش در فلسفهٔ تحلیلی آنگلو ساکسن مغفول مانده است. ولی اخیراً در فلسفه شاهد احیای آن بوده‌ایم. گرچه غلبه هنوز با ذهنیت‌گرایی است، اما اخیراً در صورتهایی جدید از عینیت‌گرایی پدید آمده‌اند، و در عقل‌گرایی نوکانتی که مسألهٔ ارزش را مستقیماً به نظریهٔ عقل عملی ربط می‌دهد تأکید بیشتری بر ارزش می‌شود.

از صنعت «ذهنی» ممکن است تعبیرهای بسیار مختلف کرد: از علاقه‌های اساسی در ذهن

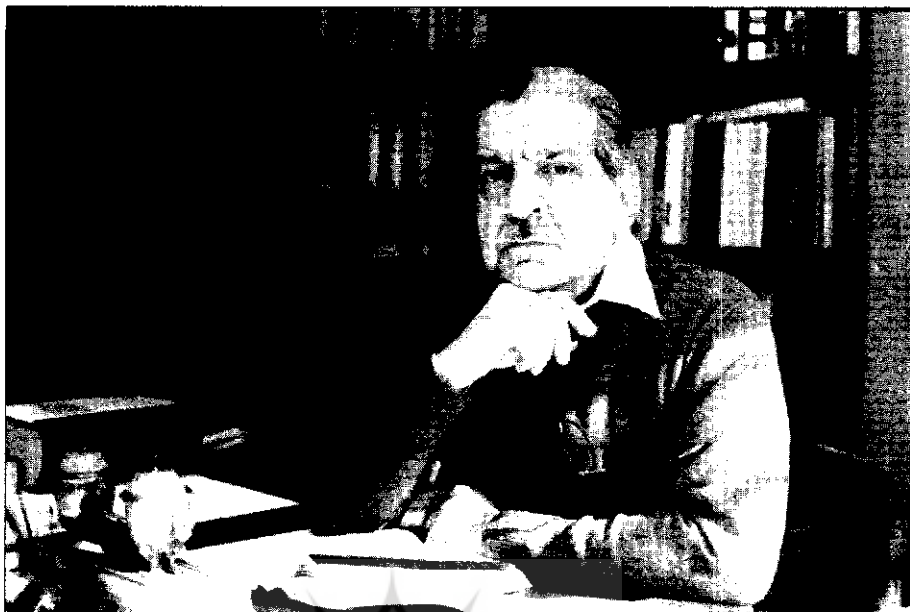
شناسنده (سوژه) تا شرطهای ضروری برای شکوفایی موجود انداموار (ارگانسیم). در اینجا نیز مانند سایر موارد، مرز روشنی میان «ذهنی» و «عینی» نیست.

عینیت‌گرایان به استقلال بیشتری بین ارزشها از یک سو و علاقه‌ها و دلمشغولیهای آدمی از سوی دیگر قائلند. عینیت‌گرایان میانه‌رو می‌پذیرند که ارزش مقوله‌ای انسان محور است و هر فهرستی که از چیزهای خوب در زندگی بدهند، باید با دلمشغولیهای بشری ربط داشته باشد. ولی در عین حال تأکید دارند که اجزای سازنده زندگی خوب به دلیل خوبی خودشان مرجحند، نه بر عکس. عینیت‌گرایان افراطی می‌گویند ارزش مقوله‌ای اینست که مشخصاً با دلمشغولیهای بشر سازگار باشد، بلکه مستقل از آنها وجود دارد.

عقل‌گرایان نوکانتی رهیافت سومی عرضه می‌کنند، و می‌گویند علاقه‌های ذهنی سبب اقامه دلایلی می‌شوند، و سپس این دلایل به محک آزمون می‌خورند تا کفایتشان برای رسیدن به هدفی که تجویز می‌کنند معلوم شود، و اگر آزمون قرین توفیق باشد، آن‌گاه هدف مورد نظر ارزشمند دانسته می‌شود. بر طبق این نظریه، رابطه تعقل عملی و ارزش به نحوی غیر از نظریه‌های رقیب لحاظ می‌شود. تعقل یا استدلال عملی نه تنها وسایل رسیدن به هدفهای از پیش داده شده را تعیین می‌کند، بلکه همچنین مقرر می‌دارد که کدام هدفها ارزش انتخاب دارند. چیزی ممکن است در نفس خویش ارزشمند دانسته شود یا به سبب کمک به نیل به وضعی که ارزشمند است. ورزش ممکن است خسته کننده باشد، اما ابزاری است برای رسیدن به تندرستی که در نهایت به عنوان غایت فی‌نفسه ارزشمند است. محل صحیح گذاشتن چنین فرقی میان آنچه ارزش ابزاری دارد و آنچه نهایتاً ارزشمند است در نظریه عقل عملی است، زیرا این نظریه با جایگاه هر «غایت» یا هدف در کل نظام غایات عملی عامل سر و کار دارد.

از این تمایزگاهی به نام وسایل و غایات نیز یاد می‌شود، ولی نباید آن را با تمایز بین ارزش ذاتی و ارزش عَرَضی اشتباه کرد که موضوع نظریه ارزشهاست. بعضی به انگیزه‌های فلسفی استدلال می‌کنند که آن دو تمایز بهتر است در هم ادغام شوند؛ ولی با تفکیک آنها از یکدیگر می‌توان مثلاً در برابر معتقدان به غایات نهایی دارای ارزش عَرَضی، از مصادره به مطلوب پرهیز کرد. فی‌المثل گفت شده که در نظریه کانت، خوشبختی گرچه غایت نهایی ماست، اما ارزشی عَرَضی به شمار می‌آید.

بسیاری توضیحات مختلف درباره ارزش ذاتی داده شده است. یکی از اندیشه‌های محوری که در جی. پی. مور (۱۹۵۸ - ۱۸۷۳ م) دیده می‌شود این است که چیزهای ارزشمند بالذات خود منشأ ارزش خویشند، حال آنکه چیزهای ارزشمند بالعرض ارزششان را از جای دیگری می‌گیرند؛ ارزش ذاتی مبتنی بر خاصیت‌های «طبیعی» بالذات شیء است ولی فروکاستنی به آنها



● دکتر عزت‌الله فولادپوند (عکس از سیاوش حبیب‌اللهی)

نیست. نظر دیگر این است که اساس و پایه ارزش بالذات را از راه مفهوم وحدت انداموار تبیین کنیم. آمیزه‌ای از چیزهای ارزشمند ممکن است کل اندامواری تشکیل دهد که ارزش آن بیش از حاصل جمع ارزش اجزای سازنده آن باشد. گفته شده است که این حکم در مورد آمیزه‌ای از چیزهای ارزشمند و بی‌ارزش یا به لحاظ ارزشی «بالسویه» نیز صادق است. مثلاً آزردهن موجودات دارای حس بد است، ولی لذت بردن از این کار حتی بدتر است.

بسیاری از فیلسوفان استدلال کرده‌اند که ارزشها مجموعاً ساختاری دارند، و می‌توان ارزشهای بالاتری را دید که به کل نظام ارزشی شکل می‌دهند و سامان می‌بخشند و، بنابراین، از همه بیشتر شایسته‌گزينش‌اند. نمونه‌هایی از این دست، یکی اعتقاد ارسطو به این است که تفکر و مراقبه بالاترین و خودبسنده‌ترین خبر در زندگی انسان است، و دیگری نقشی مشابه که کانت برای نیت خیر یا اراده نیک قائل است.

پرسش دیگر این است که چگونه می‌توان مرز میان ارزش اخلاقی را از سایر ارزشها تعیین کرد. یکی از ملاکهای شایان ذکر (ولو محل مناقشه) این است که ماهیت ارزش را به آزمون همگرایی رابط دهیم. همگرایی در میان کارشناسان در قضاوتی خاص، برای برپا نگاه داشتن مدلی «ضعیف» از عینیت کافی است. این امر احياناً برای توضیح درباره ارزشهای زیبایی شناختی کفایت می‌کند، زیرا ارزش زیبایی شناختی به غیر از اینکه موضوعی در خور چنین

قضاوت همگرایانه‌ای باشد، مشکل دیگری ندارد. اما در مسائل اخلاقی، به علاوه به این نیازمندیم که بدانیم داوران ذی صلاح به سبب اینکه مثلاً فلان عمل واقعاً بی‌رحمانه بوده است آن را بی‌رحمانه دانسته‌اند. در این حالت، رجوع به خصوصیتی که سزاوار آن واکنش بوده نیز ضروری است. البته شاید خصوصیتی انسان محوره، ولی به هر حال واقعی. این روش مرزبندی دارای این مزیت است که نشان می‌دهد چرا در داوری زیبایی‌شناختی تعدد قضاوتها از ذاتیات موضوع است و عقلاً می‌توان آن را پذیرفت. ولی در مسائل اخلاقی که اختلاف نظر در داوری باید به تصحیح قضاوت‌های پیشین بینجامد، چنین نیست.

منتشر شد:

(چاپ دهم)

## مرصاد العباد

تألیف: نجم رازی معروف به دایه

باهتمام: دکتر محمدامین ریاحی

از نفائس متون نثر فارسی و آثار نغز عرفانی است که مقارن حمله مغول تألیف گردیده و از همان زمان مورد مراجعه و استفاده عرفا و ادبا بوده است. از جهت اشتمال به یکدوره کامل تعلیمات عرفانی در نوع خود کم‌نظیر و از لحاظ شیوایی و تعبیرات فصیح و بلیغ از شاهکارهای زبان فارسی است. این اثر جاویدانی در پنج باب تألیف گردیده و همواره مرجع موثق و معتمدی برای محققان خواهد بود. حواشی و تعلیقات و توضیحات آن نیز مخصوصاً بسیار محققانه و سودمند است.

انتشارات علمی و فرهنگی — خیابان آفریقا — چهارراه جهان کودک — کوچه کمان — پلاک ۴

تلفن: ۸۷۷۴۵۶۹